

تحلیل چالش‌های توسعه و رشد ظرفیت‌های اقتصادی افغانستان

محمدصادق فضیلت^۱

چکیده

بررسی روند تاریخی رشد و توسعه اقتصادی در نقاط مختلف جهان در طول زمان حاکی از آن است، که کشورهای توسعه‌یافته، با تکیه بر مزیت‌های نسبی توانسته‌اند از ظرفیت‌های کلان اقتصادی و فرصت‌های موجود در عرصه بین‌المللی به بهترین شکل ممکن استفاده کرده و مسیر رشد، افزایش درآمد سرانه و بهبود سایر شاخص‌های توسعه‌یافتگی را به‌طور همزمان دنبال کنند.

افغانستان از میان ویرانه‌های جنگ سربرآورده و اکنون امنیت نسبی در آن حاکم است. توسعه این کشور برای حیات این مردم ضروری است. افغانستان یک کشور متکی به محصولات کشاورزی است. بخش صنعت در آن ضعیف است و صادرات آن را مواد اولیه کشاورزی و معدنی تشکیل می‌دهد. این کشور با وجود ظرفیت‌های کلان اقتصادی؛ مانند ظرفیت‌های کشاورزی و آب، صنعت و معدن، انرژی و نفت، تجارت و خدمات و موقعیت ژئوپلیتیکی و سرزمینی از کاروان توسعه یافتگی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی عقب مانده و مردم این مرزوبوم سالیان درازی که با هرج و مرج، عدم امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی، فقر گسترده و بیکاری، جهل و بی‌سوادی، افراط‌گرایی، نبود معیارهای مناسب صحتی، اقتصاد زراعتی و تک محصولی همراه با زراعت سنتی، فساد اداری گسترده در حکومت، فقدان اراده سیاسی برای توسعه، تروریزم و نا امنی، عدم وجود زیرساخت‌های اساسی مانند جاده‌ها، انرژی، راه آهن و تولیدات گسترده مواد مخدر، پولشویی دست به گریبانند. مفهوم رشد و توسعه یافتگی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و انسانی در این کشور نا آشنا افتاده است.

لذا در این نوشتار، علاوه بر بررسی ظرفیت‌های اقتصادی، چالش‌ها و موانع رشد و توسعه اقتصادی، با روش توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و داده‌های اینترنتی، مورد کنکاش قرار گرفته است. **کلید واژه‌ها:** ظرفیت‌های اقتصادی، موانع رشد و توسعه، اقتصاد افغانستان، کشاورزی و آب، تروریزم.

۱- دانش‌پژوه ارشد اقتصاد، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی Sadeghfazilat947@gmail.com

بی‌تردید رشد و توسعه اقتصادی یک کشور درحالت عادی بستگی نسبی به ظرفیت‌های کلان اقتصادی، شرایط منطقه‌ای، ویژگی‌های اقتصادی، موقعیت جغرافیایی و سیاسی آن کشور دارد. افغانستان یک کشور محاط در خشکی است که در آسیای جنوبی و آسیای مرکزی موقعیت دارد؛ این کشور دارای چهار فصل (بهار، تابستان، خزان و زمستان) و مناطق کوهستانی، جنگل‌های انبوه و آب شیرین فراوان می‌باشد. مساحت این کشور ۸۶۴،۶۵۳ و چهل و یکمین کشور بزرگ جهان محسوب می‌شود. اقلیم افغانستان خشک و نیمه‌خشک و زمستان سرد و تابستان‌های شان گرم و خشک است. جمعیت افغانستان براساس برآورد و تخمین ۲۰۲۲ سازمان ملل ۴۱ میلیون نفر بوده است، سازمان ملل این تخمین را براساس سروی‌های منابع دیگر و نیز ارقام تقریبی جمعیت افغانستان در سالهای گذشته اعلام کرده است. گفتنی است، که جمعیت افغانستان در بیشتر از ۴۵ سال گذشته سرشماری دقیق نشده است (خبرگزاری جمهور: jomhornews.com/fa/news/۱۵۶۰۸۱)، بخاطر همین همواره مورد اعتراض بسیاری از اقوام و گروه‌ها قرار گرفته است. اسلام دین رسمی آن و فارسی (دری) و پشتو زبان‌های رسمی این کشور می‌باشد. طول مرز افغانستان با کشورهای همسایه ۵۵۲۹ کیلومتر است که ایران در غرب افغانستان با ۹۳۶ کیلومتر مرز مشترک موقعیت دارد، پاکستان در جنوب با ۲۴۳۰ کیلومتر، ترکمنستان در شمال با ۷۴۴ کیلومتر، ازبکستان در شمال با ۱۳۷ کیلومتر، تاجکستان در شمال با ۱۲۰۶ کیلومتر، چین در شمال شرق با ۷۶ کیلومتر از راه تنگه واخان با استان مسلمان نشین سین کیانگ هم مرز است که امنیت افغانستان نه تنها برای مردم این کشور، بلکه برای تمام جهان اهمیت حیاتی دارد (بینام، ۱۳۸۷: ۱). این کشور به دلیل موقعیت استراتژیک خود به عنوان پل ارتباطی میان شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی و خلیج فارس از اهمیت ژئوپلیتیک و اقتصادی بسزایی برخوردار است. این کشور علی‌رغم داشتن بیش از سه تریلیون دلار از ذخایر اثبات نشده مواد معدنی، همچنان یکی از کشورهای کمتر توسعه یافته در جهان محسوب می‌شود. نرخ بیکاری آن بیش از ۲۳٪ و حدود نیمی از جمعیت آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند. تمام ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی این کشور در ماهیت خود از روند جدید و شیوه معمولی دنیا فاصله دارد. بسیار از کارشناسان عقیده دارند، کشور افغانستان یک جامعه قومی و قبیله‌ای است و ملت‌سازی در این کشور، روند درستی را طی نکرده است. بهترین دلیل این است که هویت ملی در این کشور شکل کاملی پیدا نکرده و افراد این کشور پیش از آنکه افغانی (هویت ملی) باشند، هزاره، تاجیک، ازبک و پشتون هستند. برخی از مشکلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افغانستان از بافت سنتی بسته این کشور نشأت گرفته است (ادوار دز، ۱۹۸۵).

با توجه به وجود ظرفیت‌های کلان اقتصادی مانند ظرفیت‌های کشاورزی و آب، انرژی و نفت، صنعت و معدن، تجارت و خدمات و موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی این کشور، می‌توان گفت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در این کشور نزدیک به صفر است. بنابراین؛ نگارنده این مقاله در تلاش است تا با بررسی ظرفیت‌های کلان اقتصادی این کشور، چالش‌ها و موانع رشد و توسعه اقتصادی اعم از داخلی و خارجی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را نیز مورد کنکاش قرار دهد.

پیشینه تحقیق

پژوهشی منسجم در این موضوع انجام نشده است؛ اما کتاب‌های که در پیوند با این موضوع نگاشته شده است به صورت جزئی در باره توسعه و توسعه نیافتگی افغانستان اشاره کرده است مانند موارد ذیل: الف) محمدعلی نجفی و دیگران (۱۳۸۹) در کتاب "چشم‌انداز توسعه روابط اقتصادی ایران و افغانستان" عدم زیر ساخت‌های مناسب مانند برق و جاده و فساد اداری و امنیت را عوامل عمده مانع سرمایه‌گذاری در افغانستان می‌داند.

ب) محمدحسن نامی (۱۳۸۷) در کتاب "جغرافیای کشور افغانستان" به‌طور مختصر به موانع توسعه کشاورزی در افغانستان پرداخته است که در ذیل می‌آید: در افغانستان حدود ۷ میلیون هکتار زمین قابل کشت وجود دارد که نیمی از آن زیر کشت رفته است، به دلیل ویران شدن سیستم آبیاری و از بین رفتن بسیار از جوی‌ها و نهرها و... بر اثر جنگ‌های متوالی قابل بهره‌برداری نمی‌باشد. عوامل ذیل مانع توسعه کشاورزی در این کشور است.

۱. سیستم قدیمی مالک و زارع و روابط نادرست ناشی از آن.
۲. عدم سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی.
۳. کمبود فاکتورهای جدید تولید مانند کودهای شیمیایی، بذر اصلاح شده، سموم کشاورزی.
۴. استفاده از سیستم آبیاری سنتی.
۵. مساعد نبودن انبارها و سیلوها.

ج) محمدتوسلی غرجستانی (۱۳۹۰) در کتاب "نقش توسعه روستایی در اقتصاد افغانستان" به‌طور اجمالی به وضعیت اقتصادی افغانستان پرداخته است آمار و ارقامی را ارائه داده است و راهکارهای توسعه روستایی در افغانستان را پیشنهاد کرده است و این مهم‌ترین اثر در زمینه توسعه اقتصادی افغانستان می‌باشد و با این وصف فقط به توسعه روستایی پرداخته است.

ظرفیت‌های اقتصادی افغانستان

۱- ظرفیت کشاورزی

کشاورزی در توسعه اقتصادی نقش تعیین کننده دارد. در کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته که اکثر مردم معیشت خود را از این طریق تأمین می کنند نقش آن بیش از همه جای دیگر برجسته تر است. بخش کشاورزی تنها بخش تولید کننده مواد غذایی است. بشر می تواند بدون فولاد یا ذغال سنگ یا نیروی برق دوام بیاورد ولی بدون غذا محال است. در واقع اکثر کالاهای صنعتی جانشین دارند. ولی بشر تا هنوز به جانشین مواد غذایی دست نیافته است. مواد غذایی یا در داخل هر کشور تولید می شود و یا این که از خارج وارد می شود، به هر صورت باید تأمین گردد. در کشورهای توسعه نیافته مانند افغانستان که بخش کشاورزی بیش از هر بخش دیگر (صنایع و معادن) بیش از ۷۰ درصد از نیروی انسانی را به خود مشغول می کند اهمیت این بخش بیشتر است نسبت به کشورهای دیگر توسعه یافته که کمتر از ۱۰ درصد نیروی کار مشغول این بخش است (دهقان، ۱۳۸۶، ۱۶۱). اهمیت دیگر در این است که بخش کشاورزی می تواند منبع اصلی تأمین سرمایه برای رشد اقتصادی مدرن باشد. برخی از اقتصاددانان اظهار داشته اند که کشاورزی منبع اصلی یا حتی تنها منبع تأمین سرمایه در مراحل اولیه توسعه است. اگر به ارز به چشم عامل جداگانه تولید نگاه کنیم کشاورزی نیز نقش مهمی در تأمین این عامل ایفا می کند (دایانا، ۱۳۸۶، ۶۰۸).

بنابراین، از میان بخش های اقتصادی، بخش کشاورزی مهم ترین و حیاتی ترین بخش به حساب می آید و بزرگ ترین مسئله ی که بشر در طول تاریخ چند هزار ساله اش با آن روبه رو بوده، مسئله قحطی و کمبود مواد غذایی است و به این دلیل در زمان های قدیم، اساس اجتماعات بشری را کشاورزی تشکیل می داده است. زندگی انسان با فراگیری زراعت و کشاورزی شکل جدیدی به خود گرفت و در حال حاضر صادرات محصولات کشاورزی یکی از منابع درآمد زایی ارزی کشورهای توسعه یافته محسوب می شود؛ به همین دلیل توسعه کمی و کیفی محصولات کشاورزی یکی از اهداف مهم دولت ها است. توانایی یک کشور در تولید مواد غذایی به عوامل زیادی بستگی دارد، شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است؛ که همگی در برنامه ریزی کشاورزی، انگیزه کشاورزان و کارایی منابع تولید اثر قابل ملاحظه ای دارد.

براساس گزارش اداره همکاری بین المللی آمریکا (USAID) و آمار زراعتی، ۸۰٪ مردم افغانستان به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند و ۳۱٪ درآمد ناخالص ملی از محصولات زراعتی بدست می آید. بخش اعظم صادرات افغانستان نیز محصولات زراعتی و دامی است؛ به همین لحاظ، در ساختار اقتصادی جامعه افغانستان، زراعت از اهمیت خاصی برخوردار است. کارشناسان، زراعت را مهم ترین بخش در اقتصاد افغانستان می دانند و اعتقاد دارند که تنها با توسعه بخش زراعت می توان به رشد و توسعه

مطلوب در افغانستان دست یافت. در شرایط کنونی زراعت در افغانستان بهترین و شاید تنها ترین گزینه برای ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی این کشور باشد. با آنکه بخش زراعت در سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۷ در تولید ناخالص داخلی سیر نزولی داشته است؛ اما با این هم در سال‌های اخیر، در زمان حکومت اشرف غنی این بخش بین ۲۲ تا ۳۳ درصد از عواید ناخالص داخلی را تشکیل داده است. طبق گزارش احصائیه مرکزی، در سال ۱۳۹۵ ارزش افزوده بخش زراعت ۲۷۷۰۴۷ هزار میلیون افغانی بوده که به این ترتیب ۲۰،۸٪ از تولید ناخالص را تشکیل داده است. طبق گزارش بانک جهانی در سال ۱۳۹۶ تعداد افراد واجد شرایط کار در افغانستان حدودی ۱۵ میلیون نفر بوده که از این میان دو بخش صنعت و خدمات هر کدام ۱۰٪ از نیروی کار را به خود اختصاص داده و ۸۰٪ دیگر آن در بخش زراعت و مال داری مشغول به کار هستند. این نشان می‌دهد که ۱۲ میلیون نفر در بخش زراعت مشغول به کار هستند. گزارش بانک جهانی در سال ۱۳۹۵ تصریح می‌کند که ۹۰ درصد صنایع تولیدی بر محصولات زراعتی وابسته است. در صورتی که تولیدات زراعتی افزایش یابد و زمین‌های زراعی توسعه داده شوند، زراعت می‌تواند حدود ۱/۲ درصد رشد اقتصادی سالانه و ایجاد ۱/۲ میلیون شغل جدید را طی یک دهه آینده به بار آورد. با توجه به تمام این موارد، باید گفت که تاکنون سرمایه‌گذاری خیلی بزرگ در این بخش انجام نشده و اندک سرمایه‌گذاری که توسط بخش خصوصی در زمان حکومت حامد کرزای و اشرف غنی انجام شد. نیز به‌خوبی از آن استقبال شده (منابع: مرکز احصائیه افغانستان و بانک جهانی). آمار جدید که اداره احصائیه طالبان در برج اسد ۱۴۰۳ اعلام نموده است، تولید ناخالص داخلی ۱۴۰۲ به ۱۷/۲۳ میلیارد دلار رسیده است که نسبت به قبل ۲/۷٪ افزایش را نشان می‌دهد (روزشمار: ۱۱۰۵۷.roozshomarr.ca/?p=).

تولیدات محصولات زراعتی افغانستان در سال ۲۰۱۸ به صورت فهرست وار عبارتند از:

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
گندم	انگور	سیب زمینی	سبزی	هندوانه	برنج	خریزه	سیب	پیاز	ذرت	جو	هلو
۴،۸	۹۸۴	۶۱۵	۵۹۱	۳۸۱	۳۵۲	۳۲۹	۲۱۷	۱۵۰	۱۶۰	۵۶	۴۷
میلیون تُن	هزار تُن	هزار تُن	هزار تُن	هزار تُن	هزار تُن	هزار تُن	هزار تُن	هزار تُن	هزار تُن	هزار تُن	هزار تُن

افغانستان برای خودکفایی نیاز به تولید یک میلیون تُن گندم اضافی دارد. که پیش‌بینی می‌شد از سال فوق‌الذکر تا ۲۰۲۰ انجام شود. این کشور سالانه تقریباً ۵،۱ میلیون تن میوه تازه تولید می‌کند و این ظرفیت را دارد که تولیداتشان را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. افغانستان به دلیل تولید

برخی از بهترین میوه‌ها، به‌ویژه انار و انگور و همچنین خربزه شیرین وتوت مشهور است. میوه‌های دیگری که به‌طور گسترده و تاریخی رشد کرده‌اند عبارتند از زردالو، سیب، انجیر، شفتالو و گیلاس (سایت اداره مرکزی احصائیه افغانستان).

حدود ۷۰٪ از سطح کره زمین پوشیده از آب است، که تنها ۳٪ آب شیرین و ۹۷٪ آن را آب‌های شور تشکیل می‌دهد. از این ۳٪ آب شیرین ۷۷٪ آن به‌صورت یخچال‌های کوهستانی و یخ‌های قطبی ثابت است و تنها ۳۳٪ آن قابل استفاده است و ۷۰٪ از این آب شیرین قابل دسترس، در کشاورزی مصرف می‌شود (عظیمی، ۱۳۹۰، ۲۱۶). از طرف دیگر به دلیل روند رو به رشد جمعیت جهان به‌ویژه کشورهای در حال توسعه روز به روز سرانه آب در دسترس، رو به کاهش است. در افغانستان که یک کشور محصور در خشکی و کوهستانی است، آب مانند زمین، دارای ارزش اقتصادی بالایی است. بر اساس گزارش منابع معتبر، سالانه ۷۵ میلیارد متر مکعب آب شیرین تجدید پذیر در افغانستان موجود است، که ۵۷ میلیارد متر مکعب آن را آب‌های سرزمینی و ۱۸٪ آن را آب‌های زیرزمینی تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین منابع آن عبارتند از: آب‌های چاه، چشمه‌ها، آب‌های بارندگی از قبیل باران، برف، تگرگ و غیره، آب‌های سطحی جوی‌ها، بندها و حوض‌های طبیعی و مصنوعی، یخچال‌ها، کوه‌ها و قله‌ها (همان، ۲۱۸).

عمده‌ترین رشته‌کوهی که دارای قله‌های مملو از برف و یخچال‌های طبیعی است، رشته‌کوه هندوکش و شاخه‌های کوچک آن است؛ این کوه تقریباً بالاتر از ۷۵٪ از خاک افغانستان را پوشانده است. مجموعاً کوه‌های هندوکش دارای طول ۹۹۶ کیلومتر می‌باشد. میانگین بارندگی در این مناطق از ۲۵۰ الی ۴۵۰ میلی‌متر در سال است. بارندگی در کوه‌های پامیر تا ۱۰۰۰ میلی‌متر در سال نیز گزارش شده است. بیشترین قله‌های هندوکش شرقی دارای یخچال‌های دائمی هستند. ساحات هندوکش مرکزی منبع بزرگ چشمه‌ها است، که بیشتر رودهای افغانستان در کنار آب‌های برف از چشمه‌ها می‌باشد. ساحات رشته‌کوه‌های بابا مملو از تپه‌های خاکی است، که این تپه‌ها در زمستان آب‌ها را ذخیره نموده و در تابستان نیز منبع چشمه‌ها می‌باشد. قسمت‌های مرکزی کوه‌های هندوکش و کوه بابا که ولایت‌های پروان، وردک، بامیان، دایکندی، شهر چغچران، پل خمری و سرپل را دربر گرفته است، منبع بزرگ آبی افغانستان به حساب می‌آیند. سفیدکوه، چون همیشه پوشیده از برف است، نام سفیدکوه را به خود اختصاص داده است. در نتایج این مطالعات منابع آب‌های سطحی افغانستان به ۳ نوع ذیل تقسیم می‌شود:

الف) مناطقی که دارای آب‌های سطحی دائمی می‌باشند، این مناطق در نواحی شمال شرقی کشور موقعیت دارند و شامل رودهای دائمی هستند که این منابع آبی جهت زراعت و استفاده خانوارها قرار می‌گیرد.

ب) مناطقی که دارای آب‌های سطحی موقتی می‌باشند. این مناطق در قسمت‌های مرکزی کشور قرار دارند که در فصل‌های بارانی و برف‌باری دارای آب هستند و با کاهش مقدار بارندگی سطح این آب‌ها بسیار تقلیل یافته و از بین می‌روند.

ج) مناطقی که دارای آب‌های سطحی فوق‌العاده کم حجم می‌باشند و در قسمت‌های جنوب غربی، شمال غربی و جنوب شرقی موقعیت دارند و در طول وقفه‌های معین زمانی این مناطق بسیار آسیب‌پذیر هستند زیرا اثرات خشکسالی در این مناطق بحران شدید ایجاد می‌کند (همان، ۲۲۱).

با توجه به محصور بودن افغانستان در خشکی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد و از سوی دیگر ارتباط منابع آبی کشور با میزان بارندگی سالانه و از سوی دیگر خشکسالی‌های مداوم لازم می‌دارد که در این زمینه راه‌کارهای لازم سنجیده شود. نوسانات بارندگی که منجر به کاهش و افزایش منابع آبی کشور می‌شود تأثیر شدید به توسعه نیافتگی افغانستان دارد. در بعضی روستاها چشمه‌هایی که مردم آنجا از آن استفاده می‌کنند برای آشامیدن و کشاورزی در طی چند سال متوالی خشک یا به مقدار زیادی کاهش می‌یابد که باعث ناامیدی اهل روستا و ده می‌گردد و سرانجام سبب مهاجرت و بی‌سرنوشتی آنان می‌گردد و دیگر این که کاهش آب سبب کاهش محصولات کشاورزی می‌گردد و این عوامل مزید بر عوامل‌های دیگر عقب‌ماندگی مردم این مرز و بوم می‌گردد.

یکی از ویژگی‌های رودخانه‌های افغانستان طغیانی بودن آن است. به لحاظ این که تحت تأثیر رژیم بارندگی می‌باشد به ویژه تحت تأثیر شدت و توزیع فصلی آن رودخانه‌ها خصوصیات طغیانی می‌یابد و موجب سیلاب می‌شود که بر زمین‌های واقع در کناره‌های رودخانه‌ها خسارات زیادی بر کشاورزی و درختان مردم وارد می‌کند.

رودخانه‌های این کشور در بستر کوهستانی خود در دره‌های (با توجه به این که افغانستان يك کشور بیشتر کوهستانی است) عمیق و تنگ جریان دارد (نمونه رود هیرمند که از بهسود و با میان و دایکندی می‌گذرد) و به دلیل شب شدید در این بسترها سرعت جریان آب زیاد است. نیروی فرسایش حاصل از سرعت زیاد آب مواد موجود در بستر و یا کناره‌های رودخانه را به سرعت تخریب کرده و با خود حل می‌کند و بر عمق بستر رودخانه می‌افزاید و زمینه ساختن نهر و کشاورزی را از مردمان کنار رودخانه می‌گیرد و با این شرح آبریزهای بسیار از رودخانه‌های دائمی کشور را حوضه‌های خارجی تشکیل می‌دهند و قسمت عمده آب‌های جاری کشور از دسترس خارج می‌گردد و به کشورهای همسایه سرازیر می‌گردد (همان).

مهم‌ترین رودهای بزرگ که از این رشته‌کوه‌ها سرچشمه می‌گیرد و از کنار دشت‌های پهناور می‌گذرد

عبارت اند: از آمودریا، رود هیرمند، رود کابل، دریای اندراب یا قندوز، هریرود و مرغاب. در این اواخر کشور افغانستان آب‌های سطحی خود را به پنج حوضه تقسیم نموده‌اند.

۱- حوضه‌ای دریای آمو (آمودریا): متشکل است. از رودهای واخان، کوکچه، قندوز، اندر آب و خنجان.

۲- حوضه‌ای رود شمال: متشکل است از رودهای بلخاب و سر پل.

۳- حوضه‌ای رود غربی: متشکل است از رودهای هریرود، مرغاب، شیرین تگاب، کوشان، قیسار،

گلران و خاشرود.

۴- حوضه‌ای هلمند: متشکل است از رودهای رود ارغنداب غزنی، ترنگ ارغستان و موسی قلعه.

۵- حوضه‌ای کابل: متشکل است از رودهای گل بهار پنجشیر، کابل، لوگر، کتر علی شینگ و علینگا.

***- آمودریا:** این دریا از کوه‌های پامیر افغانستان و تاجیکستان حرکت کرده و از شمال شرق رو به

جنوب غرب جریان پیدا می‌کند. و پس از طی مسافت ۲۴۰۰ کیلومتر به دریاچه خوارزم می‌ریزد. این رود بزرگ در یک ثانیه ۲۰۰۰ هزار مترمکعب آب و در یک سال ۲۲ میلیارد مترمکعب آب را انتقال می‌دهد. کشور افغانستان از منظر قانونی از اینکه منشأ این دریاچه است، حق استفاده بیشتر دارد و در صورت مدیریت این آب می‌تواند یک میلیون هکتار از دشت‌های کنار این رود را سیراب کند. برخلاف این اصل کشور ازبکستان ۶۰ درصد از این آب را استفاده می‌کند.

***- رودخانه هیرمند:** رودخانه هیرمند، دومین رودخانه پراهمیت است که در ناحیه شرقی

هزاره‌جات به وجود می‌آید. ساحات شرقی هزاره‌جات در فاصله ۸۵ کیلومتری غرب کابل سرچشمه هیرمند است. و در میان کوه‌ها و دره‌ها پرورش می‌یابد، رفته‌رفته بزرگ‌تر می‌شود و سرانجام به یک رود عظیم تبدیل گشته و در گوشه داخلی ریگستان‌های دشت مارگو گردیده و بعد از آن به طرف سیستان جریان می‌یابد و به تالاب بین‌المللی هامون در منطقه‌ای سیستان ایران می‌ریزد. درازای این رودخانه ۸۳۵ کیلومتر است.

***- فرا رود:** یکی از رودخانه‌های پر آب و پراهمیت افغانستان فرارود است. این رودخانه از بند باین

و خاک یارک ولسوالی دولیه سرچشمه گرفته و پس از گذشتن از ریگستان‌های فراه در تالاب هامون می‌ریزد، مناطق زیادی در غور، پرچمن و فراه بنام این رود مسما گردیده، از این رودخانه در زمین‌های زراعتی استفاده به عمل می‌آید ولی در جوار این رودخانه زمین زراعتی کم است و با استفاده از فن‌آوری و ذخیره آب در این ولایت که کاملاً دشت است. می‌توان زمین‌های زیادی را زیر کشت برد و آب یاری نمود. طول این رودخانه ۵۶۰ کیلومتر است.

***- رودخانه کابل:** این رودخانه از محدوده سنگلاخ سرچشمه گرفته و در دره‌ای اونی کوه پغمان

از رودخانه هیرمند جدا می‌شود. سپس جلگه میدان وردک را آب یاری نموده، وارد شهر کابل می‌شود، و در جلگه سروبی یا رود پنجشیر ملحق شده و به جلگه جلال‌آباد می‌ریزد. طول این رودخانه ۷۰۰ کیلومتر بوده و سرانجام وارد رود سند پاکستان می‌شود.

***- رودخانه مرغ آب:** این رودخانه از نقطه اتصال سفیدکوه و تیر بند ترکستان سرچشمه گرفته و به طرف غرب در وادی وسیعی جریان می‌یابد و در نزدیکی بالا مرغاب رود قیصار هم به آن افزوده می‌شود. و پس از عبور از علاقه پنج ده و آق تپه، رود کشک هم به آن ملحق شده و سرانجام پس از طی ۹۶۰ کیلومتر، به ریگستان قره قوم ترکمنستان می‌ریزد. می‌توان از این رود عظیم با استفاده از فناوری معاصر در ذخیره آب و استحصال برق و مزرعی ساختن اراضی زراعتی استفاده نمود.

***- رودخانه هریود:** این رودخانه از دامنه‌های کوه بابا در مناطق مرکزی افغانستان بنام روغن گوه بین منطقه‌ای سر جنگل و یکاوونگ سرچشمه می‌گیرد و فاصله طولانی را در داخل ولایت غور طی نموده و با عبور از شهر چغچران مرکز آن ولایت وارد ولایت هرات می‌شود و زمین‌های وسیعی اطرافش را آب یاری نموده و سرانجام به سوی اسلام قلعه جریان یافته و وارد ایران می‌گردد و در نهایت داخل ریگزارهای قره قوم ترکمنستان دفن می‌شود. این رودخانه ۱۱۲۴ کیلومتر طول داشته و ۵۶۰ کیلومتر آن در داخل افغانستان جاری است و ۶۰ کیلومتر مرز مشترک میان دو کشور ایران و افغانستان را همین رود تشکیل می‌دهد. ولی با آن‌هم از این رودخانه استفاده چندانی در داخل افغانستان صورت نه گرفته است. (شبکه اطلاع رسانی افغانستان).

افغانستان با پنج حوزه‌ای آب ریز عمده و مقدار جریان ۷۵ میلیارد متر مکعب آب شیرین تجدید پذیر در سال، به عنوان کشور بالادست، در قلب بزرگ‌ترین منابع تجدید پذیر آب در منطقه قرار دارد. و مردم افغانستان دریکی از غنی‌ترین کشورها با منابع آب شیرین زندگی می‌کنند. از این رو افغانستان با داشتن جایگاه کشور بالادست آب، در وضعیت به مراتب بهتر از کشورهای منطقه قرار گرفته است. تجربه کشورهای دیگر نشان داده است که با استفاده از منابع و مدیریت مؤثر منابع آب می‌توان آن را به یکی از عوامل مهم برای توسعه کشور بدل کرد. در کنار تأمین مصرف داخلی آب، غیر واقع بینانه نخواهد بود اگر بگویم یکی از صنایع که می‌تواند مسیر توسعه را فرا روی افغانستان هموار کند و در سطح منطقه قدرت چانه‌زنی را با کشورهای همسایه به او بدهد، مدیریت و صنعت آب است (عظیمی، پیشین، ۲۲۱ و توسلی غرجستانی، ۱۳۹۰، ۹۴).

۲- ظرفیت صنعت و معدن

۲-۱- صنعت

با آنکه صنعت یکی از بخش‌های مهم در توسعه و رشد اقتصادی کشورها به حساب می‌آید؛ اما این بخش در افغانستان نه تنها در یک دهه اخیر، بلکه از گذشته‌های دور سهم ناچیزی در توسعه کشور داشته است. به عبارت دیگر، این بخش هیچ‌گاه فرصت ایفای نقش در رشد و توسعه اقتصادی افغانستان پیدا نکرده است. فعالیت‌های صنعتی در افغانستان روی چهار بخش ذیل متمرکز است (بانک جهانی، ۱۳۹۵، اکتبر ۲۰۱۶):

- ۱- معادن: شامل زغال‌سنگ، آهن، گاز طبیعی، نمک، آمونیاک مایع، گچ، سیمان، سنگ مرمر، موزاییک و دیگر مواد معدنی.
 - ۲- صنایع کارخانه‌ای: مانند صنایع شیمیایی و صنایع سبک، شامل منسوجات پشمی، البسه و محصولات فرش.
 - ۳- صنایع مواد غذایی: مانند روغن‌کشی، روغن نباتی، عسل، محصولات نانی، شیرینی‌جات.
 - ۴- تولیدات فلزی: صنایع ساختمانی، مواد ساختمانی، صنایع کاغذی، چاپ‌ونشر و صنایع برق (اداره مرکزی احصاییه افغانستان).
- کارشناسان بدین باورند که وجود ذخایر و معادن بزرگ و غنی چون مس عینک، آهن حاجی گگ ولایت بامیان، ذخایر زغال‌سنگ و نفت و گاز شمال کشور که مهم‌ترین منابع زیرزمینی افغانستان و درعین‌حال بزرگ‌ترین معادن و ذخایر از نوع خود، در جهان است می‌توانند در آینده نه‌چندان دور، اقتصاد کشور افغانستان را از زراعتی به اقتصاد صنعتی تبدیل سازد. بر اساس برآوردهای صورت گرفته تنها معدن حاجی گگ بامیان با خلوص ۶۵٪ به‌طور تقریبی ذخیره‌گاه ۲ میلیارد تن سنگ‌آهن باکیفیت بالا می‌باشد و قادر است نیاز یک کارخانه آهن با ظرفیت ده میلیون تن در سال را به مدت یک قرن مرتفع سازد. آمارهای وزارت تجارت و صنایع افغانستان نشان می‌دهد که در یک دهه اخیر، در زمان حاکمیت اشرف غنی در بخش صنعت بیش از یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام شده است و بیش از ۳۰ پارک صنعتی در شهرهای کابل، هرات، مزارشریف، ننگرهار و قندهار ایجاد گردیده است؛ که ۱۰ پارک صنعتی قبل از حاکمیت طالبان فعال بوده و تولیدات خود را به بازارهای افغانستان عرضه می‌نمود. به‌طور نمونه در سال ۲۰۱۲م افغانستان به تولید ذوب‌آهن آغاز کرد و در سال ۲۰۱۳م ظرفیت تولید در این بخش به ۲۵ هزار تن رسید. مقام‌های حکومت افغانستان تأکید داشتند که در سال ۲۰۱۸ این میزان به ۲۲۰ هزار در سال رسیده است. در اواخر حکومت اشرف غنی ۲۵ کارخانه در بخش تولید آهن در افغانستان کار می‌نمود که از آن جمله ۶ کارخانه با معیارهای بین‌المللی تولید داشتند (اداره حمایت از سرمایه‌گذاری‌های افغانستان، ایسا).

۲-۲- معدن

وزارت معادن و پترولیوم افغانستان اعلام کرده است که ارزش ذخایر معادن این کشور سه تریلیون دلار تخمین زده شده است. این وزارت تأکید کرده است، تاکنون بیش از ۱۴۰۰ نقطه افغانستان شناسایی گردیده که دارای معادن مختلف است. بر اساس گزارش روزنامه نیویورک تایمز، در حال حاضر کشور بولیوی بزرگترین کشور صادرکننده در بخش لیتیوم در جهان است. در صورت که ذخایر لیتیوم افغانستان برابر با کشور بولیوی است. وزارت دفاع آمریکا نیز اعلام کرده است، معادن لیتیوم افغانستان آن قدر زیاد است که می توان با ذخایر نفتی پادشاهی عربستان سعودی مقایسه کرد. بر اساس اطلاعات وزارت معادن و پترولیوم افغانستان؛ معدن آهن حاجی گک در ولایت بامیان در مرکز این کشور با ذخیره دو میلیارد تن، معدن مس عینک در ولایت هرات و لوگر دومین معدن در سطح جهان با ذخیره ۱۱ میلیون تن در جنوب افغانستان و معادن زغال سنگ در مناطق مرکزی و شمال افغانستان. معادن طلا در شمال، غرب و جنوب، لیتیوم و بریلیم در ولایت غزنی در جنوب افغانستان، اورانیوم در ولایت هلمند، سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی در ولایت های شمال و غرب این کشور و پنج حوزه نفت و گاز در سراسر این کشور شناسایی شده است (معادن افغانستان، سیدمبین شاهد و بگاه سرمایه گذاری و معادن). براساس گزارش ها؛ آمریکا یکی از کشورهای است که مجذوب ذخایر معادن افغانستان شده است؛ جنرال دیوید پتریوس، فرمانده پیشین نیروهای ستاد مشترک آمریکا در افغانستان در سال ۲۰۰۹ به روزنامه نیویورک تایمز گفته بود، معادن افغانستان خیره کننده است و این معادن قطعاً می تواند شرایط افغانستان را تغییر دهد. مسئولین دولت افغانستان بر این باورند که تا سال ۲۰۲۴م ۵۰٪ درآمد افغانستان از راه استخراج معادن این کشور تأمین خواهد شد و حداقل ۵۰۰ هزار شغل نیز ایجاد و درآمد افغانستان نیز از بابت استخراج معادن به حداقل ۴ میلیارد دلار در سال خواهد رسید (روز نامه نیویورک تایمز، ۲۰۰۹).

۳- ظرفیت های انرژی و نفت

۳-۱- انرژی آب

افغانستان دارای رودها و آبشارهای زیادی است؛ این رودها از میان هزاران دره، با ارتفاع بلند می گذرند که با ساختن سد در مسیر آن می توان از انرژی آن استفاده کرد. دهقانان افغانستان (به جز لغمان و جلال آباد) مدت ۶-۷ ماه به منظور کشاورزی از آب استفاده می کنند و مابقی ۵ ماه، این آب ها بدون استفاده به کشورهای همسایه می ریزد. نظر به آمارهای رسمی منتشر شده از طرف وزارت انرژی و آب کشور، ظرفیت تولید انرژی بالقوه افغانستان ۲۴۰۰۰ هزار مگاوات برق است، که ۲۳۰۰۰ هزار از آن

می تواند از آب تولید شود. دریا های هلمند، هری رود، آمو، کابل، پنجشیر، کوکچه، بلخاب، کشک، مرغ آب و غیره؛ دارای مقادیر زیادی پتانسیل آبی می باشند. پانزده پروژه بزرگ یا زیر کار هستند و یا قبلاً به بهره برداری سپرده شده اند که هم اکنون انرژی معادل ۲۵۰-۳۰۰ مگاوات چیزی معادل ۱۰ درصد از کل انرژی برق را به شبکه های مصرفی تزریق می کند (پویا، ۱۳۹۳).

۳-۲- انرژی باد

افغانستان دارای هزاران تنگی، کوه و تپه است که می توان از آن ها انرژی بادی استحصال کرد. مهم ترین مناطق افغانستان را از دیدگاه جریان بلند باد و تولید این نوع انرژی، مناطق ذیل می نامند. مناطق از ولایت بادغیس، هرات و نیمروز جایی است که سرعت باد تا ۲۷ متر در یک ثانیه می رسد (میر محمد، افغان، گزارش ناسا، پرس).

۳-۳- انرژی آفتاب

بخش بزرگ قسمت های جنوبی، جنوب غربی و غربی و بعضی مناطق شمال افغانستان را بیابان ها و دشت های ریگی و غیر قابل کشت تشکیل داده است؛ این دشت ها معمولاً دارای بارندگی کم، حرارت آفتابی بلند تا حدودی ۴۵ درجه سانتی گراد است. اگر فقط یک درصد مناطق جنوبی کشور جای که بیابان ها را در بر می گیرد، از این انرژی استفاده صورت گیرد، افغانستان همه ساله ۱۰ میلیون کیلووات ساعت انرژی برق به دست خواهد آورد. در این اواخر استفاده از انرژی خورشیدی برای روشنایی لامپ ها و گرم کردن آب حمام های منازل از طریق انرژی خورشیدی صورت می گیرد. براساس گزارش های رسمی وزارت انرژی و آب، افغانستان تنها در صورت استفاده از منابع آبی و فسیلی قادر خواهد بود ۲۴۰۰۰ هزار مگاوات انرژی تولید کند. در صورتی که نیازمندی تخمینی و لازمی کشور به انرژی، به صورت اکثر به ۲۶۴۲ مگاوات خلاصه می شود. حال افغانستان در صورت استفاده از انرژی های تجدید پذیر این امکان را خواهد داشت که به یکی از صادرکنندگان انرژی مبدل شود.

۳-۴- انرژی نفت و گاز

تحقیقات که توسط سازمان ناسا انجام گرفت، مشخص شد که در افغانستان بیش از ۱۰۰ نقطه نفت و گاز وجود دارد. میزان نفت و گاز افغانستان از بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت و گاز چون آذربایجان، ازبکستان و... بیشتر است. حوضه شمال قسمتی از حوضه عظیم نفت و گاز آمودریا است. که از نظر میزان ذخیره در بین ۱۵۲ حوضه نفتی و گازی کشف شده جهان در رده پانزدهم قرار دارد. این حوضه ۵۱۵ هزار کیلومتر وسعت دارد. و در چهار کشور افغانستان، ایران، ترکمنستان و ازبکستان گسترش یافته است. تاکنون در افغانستان بیشترین تحقیقات و پژوهش های انجام شده در پنج حوضه نفت خیز صورت گرفته

است، که دو حوضه آن در شمال آمودریا، یک حوضه آن در هلمند، یک حوضه درهرات و یک حوضه آن در کتواز ولایت پکتیکا قرار دارد. دو حوضه که در آن مطالعات زیادی به عمل آمده است؛ عبارتند از: حوضه‌ای افغان- تاجک در شمال - شرق کشور و حوضه‌ای افغان- ترکمن شمال غرب می‌باشد. مرکز مطالعات جغرافیایی آمریکا در سال ۲۰۰۹ اعلام کرد حوضه آمودریا که شرکت ملی نفت چین پس از پیروزی در مناقصه سال گذشته کار اکتشاف و بهره‌برداری آن را به عهده گرفت دارای بیش از یک تریلیون و چهارصد مترمکعب گاز طبیعی است. بنا بر گزارش بریتیش پترولیم، ذخایر گاز طبیعی افغانستان نیز یک تریلیون و شش صد و پنجاه و دو میلیارد مترمکعب تخمین زده می‌شود که حدودی نیمی از ذخایر ثابت شده عراق است. با توجه به حجم گاز موجود در افغانستان از نظر رتبه‌بندی بالاتر از کشورهای هم چون لیبی، هند، آذربایجان، برزیل، آنگولا و بسیاری از کشورهای صادرکننده قرار می‌گیرد (نفت و گاز افغانستان، وبگاه سنگ چاراک).

۴- ظرفیت‌های خدماتی

۴-۱- حمل و نقل

خدمات حمل و نقل دو نقش اساسی در هر کشور دارد. اولین نقش و کارکرد حمل و نقل، اثر مستقیمی است که به عنوان یک فعالیت اقتصادی بر رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال می‌گذارد. دومین نقش حمل و نقل در اقتصاد کشور، فراهم کردن یکی از کلیدی‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی برای رشد و توسعه اقتصادی سایر بخش‌های اقتصادی است. افغانستان از جمله معدود کشورهای جهان است که در آن به توسعه و گسترش حمل و نقل، بالأخص حمل و نقل ریلی توجه صورت نگرفته و در آغاز قرن ۲۱ هنوز هم مسیرهای ریلی برای حمل و نقل وجود ندارد این نشان می‌دهد که شاخص‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی در این کشور چگونه است. شبکه بزرگ‌راه‌های کشور و خطوط مواصلاتی درون شهری و میان شهری توسط گروه‌های تروریستی به شدت مورد بمب‌گذاری و تخریب قرار گرفته است. ولی خدمات حمل و نقل در افغانستان از ظرفیت بالقوه بالای برخوردار است که می‌توان از آن به موقعیت جغرافیایی بی‌نظیر افغانستان در میان کشورهای مهم آسیایی که نقش حلقه وصل شمال به جنوب و شرق به غرب این قاره بزرگ و به تبع نقاط جهان را بازی می‌کند یادکرد و از نقش خدمات حمل و نقل در استخراج و بهره‌برداری از معادن سرشار افغانستان که لازمه آن فراهم ساختن زیرساخت‌های آن است نام برد. احیای جاده ابریشم ظرفیت عظیمی خدمات حمل و نقل را برای کشور افغانستان فراهم خواهد نمود (حمل و نقل در افغانستان، شبکه اطلاع رسانی پژواک افغانستان).

۴-۲- بانکی

چرخش اقتصاد یک کشور توسط بانک‌ها صورت می‌گیرد و می‌توان گفت که بانک‌ها نبض اقتصاد یک کشور را به دست دارند. زیرا همین بانک است که پول چاپ می‌کند (بانک مرکزی)، کنترل مناسبات پولی را می‌نماید و از همه مهم‌تر سرمایه از خارج توسط همین مرجع انتقال و توسط همین مرجع در پروژه‌ها به مصرف می‌رسد. خدمات بانکی در افغانستان توسط بانک‌ها دولتی مثل پشتنی بانک، بانک ملی افغان، افغانستان بانک (بانک مرکزی) و بانک‌های خصوصی مانند عزیزی بانک، کابل بانک، باختر بانک، یونایتد بانک، بانک بین‌المللی افغانستان، آراین بانک، بانک فلاح انجام می‌شود. طبق گزارش ۲۰۰۷ سازمان ملل در افغانستان بیش از ۳ میلیارد دلار از جوامع مهاجر خارج از کشور در سال ۲۰۰۶ وارد افغانستان گردیده‌اند، مقامات رسمی سازمان ملل گفته‌اند وجوه ارسالی به افغانستان زیاده‌تر خواهد شد، اگر سیستم بانکداری در این کشور راحت‌تر شود (بصیر احمد، حسین زاده شرح بانکداری افغانستان).

۴-۳- مخابراتی

در کمتر از یک و نیم دهه اخیر در افغانستان مخابرات و تکنولوژی معلوماتی به دومین منبع اشتغالزایی و کارآفرینی در این کشور تبدیل گردیده است. در زمان جمهوریت، دولت افغانستان با بیش از ۴۰۰ هزار کارمند، در رده اول و بخش مخابرات با داشتن حدود ۲۰۰ هزار کارمند در رده دوم در این کشور قرار داشتند. این شرکت‌های مخابراتی ۸۹٪ خاک این کشور را تحت پوشش داشت. وزارت مخابرات افغانستان شماره کاربران تلفن را بیش از ۱۸ میلیون اعلام کرده و افزوده است که بیش از ۲۴ میلیون خط سیم‌کارت در این کشور توزیع شده که شماری نیز غیرقابل استفاده هستند. حجم سرمایه‌گذاری در بخش مخابرات در یک و نیم دهه گذشته ۲،۲ میلیارد دلار بوده، به گفته مسئولین شرکت مخابرات، این شرکت هزاران فرصت کاری به صورت غیرمستقیم برای سایر شهروندان این کشور ایجاد کرده است. این فرصت‌ها از فروش موبایل گرفته تا فروش سیم‌کارت، کارت اعتباری، ترمیم موبایل و نصب نرم‌افزارها در موبایل را شامل می‌شود. میزان مالیات شرکت‌های مخابراتی به گفته سخنگوی این وزارت به ۲۰۰ میلیون دلار می‌رسد (خبرگزاری استینا، ۲۰۰۷).

۵- ظرفیت تجارت

افغانستان از معدود کشورهای جهان است که محصور در خشکی بوده و دسترسی به آب‌های آزاد ندارد. این مسئله باعث شده تا در امر تجارت و بازرگانی بیشتر به کشورهای همسایه خود تکیه کند. همسایگان افغانستان شامل کشورهای ایران، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان و چین بوده که همسایگی با

چین یکی از مزیت‌های این کشور در امر تجارت و بازرگانی محسوب می‌شود. بزرگ‌ترین شرکای تجاری افغانستان را کشورهای هند، پاکستان، ایران، قرقیزستان، ازبکستان، چین، ترکیه، امارات متحده عربی، روسیه، عربستان سعودی، آلمان، آمریکا، آذربایجان، ترکمنستان، تاجیکستان و کانادا تشکیل می‌دهند. مجموع صادرات کالای افغانستان در سال ۲۰۱۷، ۸۷۸ میلیون دلار بوده که همین امر این کشور را به ۱۵۰ همین صادرکننده جهان تبدیل کرده است. بیشترین کالاهای صادراتی افغانستان به ترتیب شامل، محصولات گیاهی مانند میوه و آجیل، صادرات مواد معدنی، صادرات منسوجات، صادرات فلزات گران‌بها، صادرات محصولات حیوانی، محصولات غذایی، محصولات شیمیایی، صادرات سنگ و شیشه‌اند. به‌طور میانگین، افغانستان سالانه یک میلیارد دلار صادرات دارد و بیش از ۶ میلیارد دلار کالا وارد می‌کند.

با این حال می‌توان گفت افغانستان با قرارگرفتن در میان چهار منطقه‌ای پرجمعیت جهان سرشار از انرژی و مواد معدنی به‌عنوان پل ارتباطی آسیای جنوبی، آسیای مرکزی و شمالی، شرق میانه و شرق دور از ظرفیت بالقوه بالایی برای ایفای نقش ترانزیتی تجاری، بازرگانی و ترانسپورتی برخوردار است. بنابراین افغانستان به‌عنوان کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین و به‌صرفه‌ترین مسیرهای جاده‌ای، خطوط آهن، خطوط انتقال گاز و برق بین آسیای مرکزی و جنوبی را فراهم می‌کند. یک‌زمانی این منطقه من حیث نقطه‌ای ارتباطی در هسته جهانی قرارداشت که مثال عمده‌ای آن، راه ابریشم است. که به حیث راه اصلی روابط تجاری میان شرق و غرب از آن استفاده به عمل می‌آمد. در چندسال گذشته دو طرح، یکی توسط هیلاری کلینتون نخست‌وزیر وقت آمریکا در سال ۲۰۱۱ و دیگری در سال ۲۰۱۳ توسط «شی جینگ‌پین» رهبر جمهوری چین ارائه شده است. که طبق این طرح افغانستان در قلب جاده ابریشم جدید یک‌بار دیگر می‌تواند جایگاه پرافتخار تاریخی خود را در عرصه بازرگانی و فرهنگ به دست آورد. تأسیس این جاده باعث گسترش هرچه بیشتر روابط بازرگانی و حمل‌ونقل میان کشورهای آسیای مرکزی و جنوب آسیا از یک‌سو و تقویت روابط بازرگانی شرق دور با غرب آسیا، نهایتاً اروپا خواهد شد. افغانستان در قلب این مسیر، شریان‌های اقتصادی منطقه را فعال خواهد ساخت و از این طریق می‌تواند منافع کشورهای منطقه را با منافع افغانستان گره زند و این کشورها را برای همکاری و همگرایی‌های اقتصادی آماده سازد.

چالش‌ها و موانع رشد اقتصادی افغانستان

توسعه نیافتگی کشورها چیزی نیست که ناشی از یک پدیده باشد؛ بلکه عوامل مختلف و درهم‌تنیده، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی باهم یکجا شده و راه رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی را سد می‌کند. افغانستان یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان است که به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی بحران در خاورمیانه و جهان بشمار می‌رود.

فقر گسترده، بیکاری، عدم وجود معیارهای مناسب صحی، اقتصاد زراعتی و تک محصولی همراه با زراعت سنتی، فساد اداری فوق العاده گسترده در رده های بالا و پایین حکومت، فقدان اراده سیاسی برای توسعه، تروریزم و ناامنی، عدم وجود زیربنایهای اساسی مانند سرکها(جاده)، انرژی، راه آهن و تولیدات گسترده مواد مخدر و پولشویی گسترده، اینها عوامل به هم تنیده ای اند که توسعه اقتصادی افغانستان را با مشکل جدی مواجه ساخته است.

در این بخش از نوشته تلاش بر این است تا به مهمترین چالش ها و موانع رشد و توسعه ظرفیت های اقتصادی افغانستان که تحلیل گردید، در چند ده اخیر به صورت خلاصه پرداخته شود.

۱- تروریزم و ناامنی

امنیت یکی از پارامترهای اساسی غیر اقتصادی است؛ که به عنوان مهمترین چالش، در برابر توسعه اقتصادی در افغانستان عمل می کند. هرگونه تلاش برای توسعه اقتصادی بدون تأمین امنیت ثمری نخواهد داشت. امنیت خوب، بستر مساعدی برای سرمایه گذاری های داخلی و خارجی و بالاخره توسعه اقتصادی بشمار می رود. بنابراین یک رابطه نزدیک و تنگاتنگ بین توسعه اقتصادی و امنیت وجود دارد، یعنی تا زمانیکه امنیت تأمین نشود هیچ سرمایه گذاری حاضر نیست در افغانستان سرمایه گذاری باریسک نماید، تا زمانیکه مدارس، مکاتب، آموزشگاه ها، مراکز تعلیمی، انتحار و سوزانده شود و فرزندان بی گناه این مرز و بوم نتوانند به آرامش به تحصیل ادامه دهند، نمی توان انتظار داشت در این کشور مدیران متخصص و کارآمد در حوزه های مختلف اقتصادی و غیر اقتصادی مانند، صنعت، سیاست، اقتصاد و استراتژی خرد وکلان تربیت شده و نیروی انسانی مورد نیاز این کشور جهت رشد و توسعه را تأمین نماید. لذا تأمین امنیت روند رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی را تسریع می بخشد و ناامنی سبب می گردد که بسیاری از تاجران و سرمایه گذاران نتوانند در داخل افغانستان سرمایه گذاری کنند، از این رو یا به سرمایه گذارهای محدود می پردازند و یا سرمایه های خود را به خارج از کشور منتقل می کنند.

اقتصاد افغانستان بعد از روی کار آمدن دولت جمهوریت در یک بازه زمانی خیلی کوتاه چهره خوشی در مقابل رنج ها و فقر فراگیر مردم افغانستان از خود نشان داد که سرمایه گذاران خارجی و داخلی در بخش های مختلف اقتصادی اقدام به سرمایه گذاری نمودند. مهاجرین و آوارگان این مرز و بوم نیز از اقصا نقاط دنیا با تصور احساس امنیت و استقرار یک دولت ملی فراگیر، اقدام به بازگشت و سرمایه گذاری، دست رنج سال های غربت و مهاجرت شان نمودند. غافل از اینکه؛ این فقط یک خواب و خیال بیش نبود و گروه های تروریستی بازهم از مرزهای پاکستان و مخفیگاه های شان بیرون آمدند. ترور، انتحار، انفجار، تخریب جاده ها، پل ها، پل چک ها و اماکن تجاری و ارباب سرمایه داران و سرمایه گذاران، همه و همه

آواری شد که بر سر مردم و سرمایه‌گذاران فرود آمد. امیدها جایش را به یأس و ناامیدی همیشگی داد. طبق آمار وزارت اقتصاد و اداره مرکزی احصائیه افغانستان، در دوره دوم ریاست اشرف غنی (پایان جمهوریت) ده‌ها میلیون دلار سرمایه از کشور خارج شد و بسیاری از پروژه‌های تطبیق شده نیز به خاطر ناامنی با رکود مواجه گشته و تعطیل شدند. علاوه بر عدم تطبیق برنامه‌های توسعه‌ای، هزینه‌های تطبیق آن نیز به شدت بالا رفت (عبدالصیر مصباح، ناامنی مانع کلان توسعه در افغانستان).

۲- نگاه قبیله‌ای به اقتصاد

علاوه بر تأثیرگذاری امنیت بر توسعه اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، نقش ساختار اجتماعی بر توسعه اقتصادی در این کشور را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. اقتصاد این کشور تا حدودی زیادی متأثر از ساختار جامعه است. ساختار اگر قبیله‌ای باشد، اقتصاد جامعه مبتنی بر غارت و چپاول است. ساختار و بافت جامعه اگر صنعتی باشد، اقتصاد جامعه نیز صنعتی و مبتنی بر بازار آزاد است. اقتصاد افغانستان از زمان شکل‌گیری آن توسط احمدشاه ابدالی تا دهه‌های پایانی مبتنی بر غارت و چپاول بوده است. با حضور جامعه جهانی در افغانستان امیدهای زیادی به وجود آمد تا دگرگونی در ساختار و بافت اجتماعی جامعه به وجود آید و به تبع آن دگرگونی در اقتصاد رخ دهد.

جامعه جهانی میلیارد ها دلار در افغانستان کمک نمودند اما بعد از گذشت بیش از یک دهه اتفاق جدیدی در ساختار اجتماعی و اقتصادی رخ نداد، اقتصاد دانان معتقدند که برای توسعه اقتصادی در یک کشور نیازمند سرمایه اولیه می‌باشند، سرمایه‌ای که بتواند اقتصاد یک کشور را به حرکت درآورد. این سرمایه اولیه از دو طریق ممکن است تأمین گردد؛ اول: از طریق کمک‌های بیرونی. دوم: از طریق جمع‌آوری مالیه و عواید داخلی. ۱۰۴ میلیارد دلار می‌توانست سرمایه اولیه خوبی برای به حرکت درآوردن اقتصاد افغانستان باشد. سوال اینجا است که چرا ۱۰۴ میلیارد دلار نتوانست اقتصاد افغانستان را به حرکت درآورد.

در جواب این سوال می‌توان گفت که نگاه قبیله‌ای نخبگان سیاسی جامعه ما به اقتصاد بی‌تأثیر نبوده و این طرز نگاه می‌تواند دلیل دیگری برای عدم رشد اقتصادی در این کشور باشد. نگاه غارت‌گری و چپاول در اذهان کارگزاران سیاسی همواره حاکم بوده است. تمام نخبگان سیاسی ما بدون استثنا در بیش از یک دهه غارت و چپاول نمودند؛ لذا دگرگونی چندان در زیربنای‌های اقتصادی این کشور صورت نگرفت و ۱۰۴ میلیارد دلار غارت و چپاول شد. با نشر گزارشی از سوی نهاد موسوم به "سیگار" کمتر کسی به مسئله غارت‌گری و چپاول‌گری توجه نمودند. واقعیت این است که غارت‌گری و چپاول دلیل دیگری عدم بازسازی و یا رشد اقتصادی در افغانستان بوده است. وقتی نخبگان سیاسی انگیزه و خواست دگرگونی نداشته باشد و تمام ذهن‌شان را چگونگی غارت و چپاول‌گری درگیر نماید و درکنار آن فرهنگ سیاسی و عمومی جامعه ما فاسد باشد دیگر انتظار رشد اقتصادی بی‌اساس است.

۳- توزیع نابرابر درآمد ملی

نابرابری توزیع درآمد ملی نیز، یکی دیگر از موانع اصلی توسعه اقتصادی در این کشور محسوب می‌شود. درآمدهای ملی در دست عده از افرادی قرار گرفت که دستی در قدرت داشتند و این درآمدها بیشتر روی پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری گردید که نقش چندانی در انکشاف اقتصادی این کشور نداشته و اقلام بزرگ آن را واردات کالاهای مصرفی با تعرفه‌های گمرکی پایین تشکیل می‌داد، که هم باعث رکود تولیدات داخلی و سقوط آنها و هم باعث ترویج و توسعه فرهنگ مصرف گرایی در جامعه گردید.

۴- فساد گسترده اداری

وجود فساد اداری در سطوح مختلف ادارات دولتی از دیگر موانع رشد و توسعه اقتصادی در افغانستان به حساب می‌آید، هزینه‌های سنگینی را به اقتصاد این کشور تحمیل نموده و سرمایه‌گذاران بزرگ را از سرمایه‌گذاری بلند مدت و زیر ساختی پشیمان می‌کند. تا زمانی که فساد در ادارات دولتی حاکم است کمتر پروژه امکان موفقیت پیدا می‌کند، زیرا کارها از مجرا و مسیر طبیعی اش خارج شده و بودج‌های که برای پروژه‌های عمرانی اختصاص داده شده است، اگر درست هزینه نشود و در بوروکراسی اداری از بین برود. کشور در مسیر توسعه قرار نمی‌گیرد (فساد مانع توسعه، و یکی پدیا، دانشنامه آزاد).

۵- کمبود منابع انسانی متخصص

سرمایه انسانی نقش پررنگی در تأمین توسعه و انکشاف اقتصادی در هر کشور بازی می‌کند. اندیشمندان زیادی در این زمینه تحقیق کرده و نقش سرمایه انسانی را در رشد و انکشاف اقتصادی برجسته نموده و به آن تأکید کرده‌اند. در واقع سرمایه انسانی به تمام قابلیت‌ها و مهارت‌هایی اطلاق می‌شود که در وجود یک فرد به واسطه تعلیم و تربیه ایجاد گردیده است و استفاده از این قابلیت‌ها در پروسه تولید منجر به بازدهی بیشتر این فرد و به دنبال آن منجر به افزایش تولید و بالا رفتن کیفیت آن می‌گردد. متأسفانه افغانستان طی چند دهه جنگ‌های ویرانگر تعداد زیادی از جمعیت آن از تعلیم و تربیه باز مانده‌اند و بی‌سواد هستند. ضعف تعلیم و تربیه به خصوص تعلیمات ثانویه و عالی یکی دیگر از عواملی است که توسعه اقتصادی را با کندی مواجه ساخته و حتی مانع آن می‌شود. وجود منابع انسانی لازم شرط اصلی و مهم توسعه است و متولی آن نیز نهادهای آموزش عالی و تعلیمات عالی در کشور می‌باشند. این هردو نظام به رغم افزایش در کمیت آن از کیفیت کافی برخوردار نبوده و در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت فارغ‌التحصیلان آن، نقش لازمی را در توسعه کشور ایفا نمایند.

البته دلایل دیگری نیز برای توسعه نیافتگی در این کشور وجود دارد، مانند: جهل و نادانی، نژاد گرایی و قوم گرایی، کم رنگی نقش سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، عدم تمرکز زدایی و مشارکت، فقدان رهبری واحد و

جامع، نبود برنامه ریزی دقیق و کارا، ضعف ثبات و استقلال سیاسی، دخالت کشورهای بیگانه، ضعف روحیه وحدت ملی، شاخص توسعه پایین انسانی که پر داختن به تمام این‌ها از توان این مقاله خارج است.

نتیجه‌گیری نهایی

از میان بخش‌های اقتصادی، بخش کشاورزی مهمترین و حیاتی‌ترین بخش به حساب می‌آید و بزرگ‌ترین مسئله‌ای که بشر در طول تاریخ چند هزارساله شان با آن روبه‌رو بوده، مسئله قحطی و کمبود مواد غذایی است و به این دلیل در زمان‌های قدیم، اساس اجتماعات بشری را کشاورزی تشکیل می‌داده است. زندگی انسان با فراگیری زراعت و کشاورزی شکل جدیدی به خود گرفت و در حال حاضر صادرات محصولات کشاورزی یکی از منابع درآمد زایی ارزی کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شود؛ به همین دلیل توسعه کمی و کیفی محصولات کشاورزی یکی از اهداف مهم دولت‌ها است. توانایی یک کشور در تولید مواد غذایی به عوامل زیادی بستگی دارد، شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است؛ که همگی در برنامه‌ریزی کشاورزی، انگیزه کشاورزان و کارایی منابع تولید اثر قابل ملاحظه‌ای دارد.

افغانستان با پنج حوزه‌ای آب ریز عمده و مقدار جریان ۷۵ میلیارد مترمکعب آب شیرین تجدید پذیر در سال، به عنوان کشور بالادست، در قلب بزرگ‌ترین منابع تجدید پذیر آب در منطقه قرار دارد. و مردم افغانستان دریکی از غنی‌ترین کشورها با منابع آب شیرین زندگی می‌کنند. از این رو افغانستان با داشتن جایگاه کشور بالادست آب، در وضعیت به مراتب بهتر از کشورهای منطقه قرار گرفته است. تجربه کشورهای دیگر نشان داده است که با استفاده از منابع و مدیریت مؤثر منابع آب می‌توان آن را به یکی از عوامل مهم برای توسعه کشور بدل کرد.

کارشناسان بدین باورند که وجود ذخایر و معادن بزرگ و غنی چون مس عینک، آهن حاجی گگ ولایت بامیان، ذخایر زغال سنگ و نفت و گاز شمال کشور که مهم‌ترین منابع زیرزمینی افغانستان و درعین حال بزرگ‌ترین معادن و ذخایر از نوع خود، در جهان است می‌تواند در آینده نه‌چندان دور، اقتصاد کشور افغانستان را از زراعتی به اقتصاد صنعتی تبدیل سازد.

با این حال می‌توان گفت افغانستان با قرارگرفتن در میان چهار منطقه‌ای پرجمعیت جهان سرشار از انرژی و مواد معدنی به عنوان پل ارتباطی آسیای جنوبی، آسیای مرکزی و شمالی، شرق میانه و شرق دور از ظرفیت بالقوه بالای برای ایفای نقش ترانزیتی تجاری، بازرگانی و ترانسپورتی برخوردار است. بنابراین افغانستان به عنوان کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین و به صرفه‌ترین مسیرهای جاده‌ای، خطوط آهن، خطوط انتقال گاز و برق بین آسیای مرکزی و جنوبی را فراهم می‌کند.

تاریخ سیاسی و پیشینه‌ی استقرار نظام سیاسی، حداقل در سه دهه اخیر افغانستان حکایت از این

واقعیت عینی و سیاسی دارد که قدرت فائقه و نظام سیاسی مسلط در این سرزمین، معطوف به تصمیم و اراده ی یک گروه تباری خاص، محصور در ایمان یک گروه مذهبی مشخص و منحصر به مالکیت یک سلسله ی خاندانی معین بوده است. مستحکم و دایمی شدن این فرایند، فرهنگ سیاسی و قدرت مطلقه را به یک قاموس منجمد و تغییر ناپذیر عادت داده است که به سادگی تحول و انعطاف را بر نمی تابد، ساختار سنتی سیاسی و نژاد گرایی باعث می شود که به مکانیزم جدیدی که باعث توسعه یافتگی می شود افغانستان به آن نرسد، مشکل دیگر نوع نظام اقتصادی افغانستان است که به فاصله طبقاتی و عدم سرمایه گذاری منجر می شود، خلاء قانونی و عدم اجرای قانون نیز به خاطر بستر سنتی و روابطی افغانستان وجود دارد که بر روند توسعه اثر منفی می گذارد و احزاب و گروه های سیاسی نیز جایگاه که بر توسعه انجامد را ندارد و از سوی افغانستان در فساد اداری مقام های نخست را بین کشورها دارد.

فهرست منابع

۱. اداره احصائیه مرکزی افغانستان (۱۳۹۵)، وضعیت زندگی در افغانستان (شش ماه اول).
۲. بانک توسعه آسیایی (۲۰۱۷)، داده‌های نرخ فقر.
۳. بانک جهانی (۱۳۹۵)، گزارش اقتصادی افغانستان.
۴. بلخی، میرویس (۱۳۹۲)، افغانستان پس از ۲۰۱۴: نگاهی از بیرون، کابل، موسسه تحصیلات عالی افغانستان.
۵. تودار، مایکل (۱۳۷۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر غلامی.
۶. توسلی غرجستانی، محمد (۱۳۹۰)، نقش توسعه روستایی در اقتصاد افغانستان، قم، اندیشه سازان هدایت.
۷. توسلی غرجستانی، محمد (۱۳۹۹)، اقتصاد افغانستان، فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها، چ۳، کابل.
۸. دهقان، محمد صادق (۱۳۸۶)، افغانستان و حق توسعه، کابل، مرکز فرهنگی و اجتماعی سراج، چاپ اول.
۹. سایت خبرگزاری جمهور: jomhornews.com/fa/news/۱۵۶۰۸۱/
۱۰. سایت روزشمار (آرشیف گزارش‌های سیاسی، اجتماعی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی افغانستان): roozshomarr.ca/?p=۱۱۰۵۷
۱۱. سمیع الله، پویا (۱۳۹۳)، ظرفیتهای انرژی افغانستان، وبگاه روشنایی.
۱۲. عظیمی، محمد عظیم (۱۳۹۰)، درآمدی بر جغرافیای طبیعی افغانستان، کابل، انتشارات امیری، چ۱.
۱۳. فرزام، رضا (۲۰۱۲)، اقتصاد افغانستان در سالی که گذشت.
۱۴. موانع توسعه اقتصادی افغانستان، دنیای اقتصاد، شماره روزنامه ۵۵۱۷، چاپ، ۱۷، ۵، ۱۴۰۱.
۱۵. نجفی، محمدعلی و دیگران (۱۳۸۹)، چشم‌انداز توسعه روابط اقتصادی ایران و افغانستان، تهران، اندیشه سازان نور، چاپ اول.
۱۶. هانت، دایانا (۱۳۸۶)، نظریه‌های اقتصادی توسعه، ترجمه غلام رضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشرنی، چاپ دوم.
۱۷. الهی، همایون (۱۳۸۲)، کمک‌های خارجی و توسعه نیافتگی، تهران قومس.
۱۸. الیاس، حمید (۱۳۸۳)، واقعیات توسعه نیافتگی، تهران، شرکت سهامی انتشار.